

زاد روز حماسه سرای ایرانی، فردوسی و روح شاعرانگی ایرانی

اول بهمن ماه سال ۳۱۹ هجری شمسی، روزی است که در آن «حکیم ابوالقاسم فردوسی» حکیم سخن، حکیم توس و استاد سخن پا به عرصه وجود گذاشت. این روز بهانه و فرصتی شد تا با دوستداران فرهنگ و هویت بابتی تازه از یک ویژگی برجسته در ایرانیان گشوده شود.

بدون شک نام کتاب ارزشمند پنج اقلیم حضور، به قلم دکتر داریوش شایگان بر دوستان ادب و ادبیات آشنا است. نگارنده در این کتاب به بعد فلسفی و معنوی در برخی از شعرای ایران نظر دارد. استاد فرهیخته، داریوش شایگان در این اثر خود، فردوسی، خیام، مولوی، سعدی و حافظ را در پنج بخش مجزا بررسی می‌کند و در عین تواضع و فروتنی، این متفکر ایرانی، در پیشگفتار کتابش بحثی درباره روح شاعرانگی در ایرانیان دارد. در اشاره بر اینکه چگونه و به چه علت او این خصلت را به ایرانیان نسبت می‌دهد. این محقق اندیشمند بر این باور است که بی دلیل نیست که ایرانیان از میان همه شعرا و ادبای خود این پنج شاعر را برگزیده اند. او در بیان ارج و منزلت ایرانیان به این شعرا نوشته است: «از میان صدها شاعری که تاریخ ادبیات ایران به خود دیده است، ایرانیان تنها پنج شاعر (یا به عقیده برخی شش شاعر) را در مقام نمونه های اعلای بینش شاعرانه خویش برگزیده اند. جایگاه ممتاز این شاعران در تفکر ایرانی، صرفا ثمره صفات استثنایی آنان نیست بلکه این پنج شاعر، هر یک به تناسب نبوغ خاص خود، نماینده تبلور یک جریان بزرگ تبار شناسی فکری هستند که سبک و سیاق و شیوه ای منحصر به فرد را در بازتاب نحوه ویژه جهان شناسی خود در پیش می‌گیرند».

برای مثال او فردوسی را مظهر اوج حماسه ای می‌داند که با تأثیر از اساطیر اوستایی و افسانه های پارتی و ساسانی، چندی پس از ورود اعراب مسلمان به ایران در پی بازیابی هویت ایرانی احیا شده است. شاهنامه از جوهر هستی می‌گوید و چگونه زیستنی جاودانه. شاهنامه به حق سند ملی خاطره قومی ایرانیان است.

هم چنین شایگان به عمرخیام و انتخاب وی در میان این پنج شاعر نیز اشاره کرده است و اعتقاد دارد، عمرخیام با این که اصالت دقیق رباعیاتش همچنان پس از گذر سالیان دراز محل مباحثه است، مظهر نوعی تعارض در نبوغ ایرانی است، که طی آن جریان های متناقض، مانند ایمان و شک، اطاعت و عصیان و لحظه و ابدیت در مواجهه با یکدیگر قرار می‌گیرند.

وی عمر خیام را تجسم فردیت تقلیل ناپذیر روحی می‌داند و می‌نویسد: «عمر خیام، نه سر تسلیم به ایمان دارد نه به کفر، نه به دنیا نه به آخرت، نه به یقین تعبدی نه به شک دستوری؛ روحی که دنیا را به سان تصاویری پی در پی می‌بیند که گرد «فانوس خیال»، چندی پدیدار می‌شوند و سپس در «صندوق عام» ناپدید. این شخصیت استثنایی با بهره‌مندی از هوشیاری منحصر به فردی که قادر است اسطوره‌زدایی کند، مظهر وجهی از جهان بینی ایرانی است.»

شایگان در ادامه توضیح انگیزه خود در انتخاب شعرای این کتاب به مولانا اشاره می‌کند و او را اوج تکامل نوعی از سنت عرفانی می‌داند و می‌گوید: «پیشینه تبار شناسی مولانا با گذر از حلاج و بایزید بسطامی به سنایی و عطار می‌رسد. بی سبب نیست که ایرانیان برای شاهکار بزرگ وی — مثنوی — شانی شامخ در حد تقدس قائل‌اند. مولانا از سراینده‌گان عشق است.»

شایگان در نقش آمرانه آداب اجتماعی ایرانیان از سعدی یاد می‌کند و در کتاب خود می‌گوید: «او نه فقط سرمشق و گل سرسبد «اومانی‌تاس» یا همان آداب و فرهنگ ایرانی است بلکه ویژگی تعلیمی تفکر او با اتکا بر عقل سلیم، اعتدال و عقل معاش، آثارش را برای ایرانیان به قانون طلایی رفتار اجتماعی انسان متمدن بدل کرده است.»

حافظ از منظر داریوش شایگان، «ترجمان الاسرار» ادب فارسی و شاعری منحصر به فرد است. در شعر حافظ، تعادل بین صورت و محتوا در جریان تکاملی تجربه ناپذیر شکل می‌گیرد. مصراع‌های اشعارش اغلب متقارن، فاقد توالی زمانی و گاه ارتباط با یکدیگرند.

ماه شدید

اما آنچه در اینجا اشاره می‌شود، همان روح شاعرانگی ایرانیان است. کمتر خانواده‌ای از ایرانیان را می‌شود دید که در آن مفهوم و معنای شعر جایی نداشته باشد. در کمتر خانواده‌ای از ایرانیان می‌شنویم که هر چند والدین شان همچنان بر تحصیلات عالی فرزندان خود تاکید دارند، بر جایگاه ادب و شعر و استعاره نظر نداشته باشند. دلپذیرتر اینکه شاهد دوستدارانی از شعر و ادب پارسی هستیم که شاید حداقل تحصیلاتی هم نداشته و ندارند و لیکن سینه به سینه به نقل ابیات این شاعران می‌پردازند. گویی شعر و شاعرانگی در این جامعه و روح جمعی این جامعه نشستی عمیق دارد. گویی این ویژگی بیانی از ناگفته‌ها و گفته‌هایی است که به نغز بیان می‌شود و مرهمی بر این نگاه باریک بین شاعرانه این مردم دارد. گویی این مردم در طول سالیان دراز در زندگی زیسته‌شان آموخته‌اند تا اینگونه گفته‌های خود را در استعاره و ایجاز و ایهام بیان کنند. البته در توجه به کلام داریوش شایگان باید

به نقش فردوسی و مولوی و به ویژه حافظ در زندگی مردم بیشتر تامل کرد. حافظ در زندگی روزمره مردم است. تردیدی ندارم که بسیاری از ما نه فقط در سفره هفت سین خود، نه فقط به عنوان هدیه ارزشمند برای دوستی عزیز که حافظ را در کنار زندگی روزمره خود داریم. بی شک در طول روز بسیار برای هر یک از ما اتفاق افتاده است که از دست دست فروش فال حافظ، نیتی کنیم و فالی بگیریم. مدیر مرکز حافظ‌شناسی در گفتگویی دلیل علاقه مندی مردم به حافظ را با هفت دلیل بیان کرده و اظهار می‌کند: نخستین دلیلی که مردم برای تصمیمات‌شان به غزلیات حافظ می‌آویزند معماری کلام خواجه اهل راز است زیرا که حافظ در معماری کلام، در ساخت سخن هنری و پیوند واژگان و تراکم معانی، سرآمد سخنوران پارسی است.

دکتر کاووس حسن لی می‌گوید: غزل حافظ به مثابه قصری با شکوه می‌ماند که درون آن با لایه های تودرتو آراسته شده و خوانندگان اشعار وی به مثابه بازدیدکنندگان این قصر با شکوه هستند که محو تماشا شده و اجازه ورود می‌خواهند و در این میان آنان که در اشعار وی تحقیق و تفحص می‌کنند مجوز ورود به این قصر را از آن خود کرده‌اند.

استاد دانشگاه ادبیات شیراز با ذکر دومین دلیل، شعر حافظ را به منشوری چند وجهی تشبیه کرد که از هر سو به آن بنگری رنگ و نقشی دیگر را باز می‌تابد.



وی، شعر حافظ آینه‌ای برای دوره‌های مختلف است که قرن هاست مردم ما را از ریا و تزویر دوری می‌دهد و لبه تیغ تیز اشعارش به سمت زشتی‌ها و پلشتی هاست.

مدیر مرکز حافظ شناسی تاکید می کند: حافظ یک دردمند اجتماعی است و هیچ گاه از درد و رنج های مردم غافل نمی شود، اما همواره مردم را به شادزیستن دعوت کرده و شادزیستن را سرلوحه کار و زندگی سالم می پندارد.

این استاد می گوید که بیزاری حافظ از آزار و اینکه حافظ آزار را همواره نکوهش می کند و همه را به گره گشایی دعوت می نماید از دیگر دلایل رویکرد مردم به خواجه اهل راز است. و اینکه مردم همواره بر این باور بوده اند که حافظ با عالم بالا در ارتباط بوده و لذا سال ها او را لسان الغیب خطاب می کرده اند.

شعر حافظ گویی راه بر ما می گشاید تا در التهاب روزگار دمی در کنار او بیساییم و در کنار بهجت و نشاط از این ابیات نظری به بالا و معنا راه گشایش بر روز و روزگار خود بگشاییم. روح شاعرانگی در ایرانیان گویی نظر به خلوت معنایابی بر هستی وجودی ایرانیان دارد که در التهاب های مکرر و پیاپی در زندگی شان به پرسش های عمیق فلسفی معنوی بر می آیند.

دکتر مهشید رضوی رضوانی

ماه شهید
فرورد